

### ۱. بیان دو روایت دیگر و بررسی «مقام بیان» ضوابط کلی کسب در آنها

در جلسات قبل درصدد بررسی روایاتی بودیم که به بیان ضوابط کلی حاکم بر کسب پرداخته‌اند تا معیاری برای نقد و بررسی عناوین و سرفصل‌های کتاب مکاسب محرمه باشد.

روایت دیگری که ممکن است در صدد بیان این موضوع (ضابطه کلی در کسب) باشد، روایتی از نبی اکرم (ص) است که در بخشی از آن، چنین اوصافی برای تجار و صنعت‌گران می‌آید: «...أَنْظُرُ إِلَى التُّجَّارِ وَ أَهْلِ الصَّنَاعَاتِ وَ اسْتَوْصِ بِهِمْ خَيْرًا فَإِنَّهُمْ مَادَّةٌ لِلنَّاسِ يَنْتَفِعُونَ بِصِنَاعَاتِهِمْ وَ مِمَّا يَجْلِبُونَ إِلَيْهِمْ مِنْ مَنَافِعِهِمْ وَ مَرَافِقِهِمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ مِنْ رُؤُوسِ الْجِبَالِ وَ بُلْدَانِ مَمْلُوكَةِ الْعَدُوِّ وَ حَيْثُ لَا يَعْرِفُ أَكْثَرُ النَّاسِ مَوَاضِعَ مَا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ مِنْ ذَلِكَ وَ لَا يُطِيقُونَ الْإِيْتَارَ بِهِ بِأَنْفُسِهِمْ فَلَهُمْ بِذَلِكَ حَقٌّ وَ حُرْمَةٌ يَجِبُ حِفْظُهَا لَهُمْ فَتَقَدَّرُوا أُمُورَهُمْ وَ اكْتُبْ إِلَى عَمَّاكَ فِيهِمْ...»<sup>۱</sup>.

همچنین در بخشی از نامه امیرالمؤمنین (ع) به مالک اشتر (نامه ۵۳ نهج البلاغه) اشاراتی به اصناف جامعه از جمله صنف تجار و صنعت‌گران می‌شود: «...وَ اعْلَمْ أَنَّ الرَّعِيَّةَ طَبَقَاتٌ لَا يَصْلُحُ بَعْضُهَا لِإِبْعَاضِ، وَ لَا غِنَى بِبَعْضِهَا عَنْ بَعْضٍ. فَمِنْهَا جُنُودُ اللَّهِ، وَ مِنْهَا كُتَّابُ الْعَامَّةِ وَ الْخَاصَّةِ، وَ مِنْهَا قُضَاةُ الْعَدْلِ، وَ مِنْهَا عُمَّالُ الْإِنصَافِ وَ الرَّفِيقِ، وَ مِنْهَا أَهْلُ الْجَزِيَّةِ وَ الْخَرَاجِ مِنْ أَهْلِ الذَّمَّةِ وَ مُسْلِمَةِ النَّاسِ، وَ مِنْهَا التُّجَّارُ وَ أَهْلُ الصَّنَاعَاتِ، وَ مِنْهَا الطَّبَقَةُ السُّفْلَى مِنْ ذَوِي الْحَاجَةِ وَ الْمَسْكِنَةِ... وَ لَا قِوَامَ لَهُمْ جَمِيعًا إِلَّا بِالتُّجَّارِ وَ ذَوِي الصَّنَاعَاتِ فِيمَا يَجْتَمِعُونَ عَلَيْهِ مِنْ مَرَافِقِهِمْ، وَ يُقِيمُونَ مِنْهُ مِنْ أَسْوَاقِهِمْ، وَ يَكْفُونَهُمْ مِنَ التَّرْفِقِ بِأَيْدِيهِمْ مِمَّا لَا يَبْلُغُهُ رِفْقٌ غَيْرِهِمْ. ثُمَّ الطَّبَقَةُ السُّفْلَى مِنْ أَهْلِ الْحَاجَةِ وَ الْمَسْكِنَةِ الَّذِينَ يَحِيقُ رِفْدُهُمْ وَ مَعُونَتُهُمْ... ثُمَّ اسْتَوْصِ بِالتُّجَّارِ وَ ذَوِي الصَّنَاعَاتِ، وَ أَوْصِ بِهِمْ خَيْرًا، الْمُقِيمِ مِنْهُمْ، وَ الْمُضْطَرِّ بِمَالِهِ، وَ الْمُتَرَفِّقِ بِبَدَنِهِ، فَإِنَّهُمْ مَوَادُّ الْمَنَافِعِ، وَ أَسْبَابُ الْمَرَافِقِ، وَ جُلَّابُهَا مِنَ الْمَبَاعِدِ وَ الْمَطَارِحِ، فِي بَرِّكَ وَ بَحْرِكَ، وَ سَهْلِكَ وَ جَبَلِكَ، وَ حَيْثُ لَا يَلْتَمِئُ النَّاسُ لِمَوَاضِعِهَا، وَ لَا يَجْتَرُونَ عَلَيْهَا، فَإِنَّهُمْ سِلْمٌ لِاتِّخَافِ بِاتِّقَتِهِ، وَ صُلْحٌ لِاتِّخَاشِ غَائِلَتِهِ (در این قسمت اشاره به بخش «صناعات و تجارات» است) وَ تَقَدَّرَ أُمُورُهُمْ بِحَضْرَتِكَ وَ فِي حَوَاشِي بِلَادِكَ، وَ اعْلَمْ مَعَ ذَلِكَ أَنَّ فِي كَثِيرٍ مِنْهُمْ ضَيْقًا فَاحِشًا، وَ شَحًّا قَبِيحًا، وَ احْتِكَارًا لِلْمَنَافِعِ، وَ تَحَكُّمًا فِي الْبِيعَاتِ، وَ ذَلِكَ بَابٌ مَضْرَّةٌ لِلْعَامَّةِ، وَ عَيْبٌ عَلَى الْوَلَاةِ. فَاغْنِ مِنَ الْإِحْتِكَارِ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَنَعَ مِنْهُ. وَ لِيَكُنِ الْبَيْعُ بَيْعًا سَمْحًا، بِمَوَازِينِ عَدْلٍ، وَ أَسْعَارٍ لَا تَجْحِفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَ الْمُبْتَاعِ. فَمَنْ قَارَفَ حُكْرَةً بَعْدَ نَهْيِكَ إِلَيْهَا فَتَكَلَّ بِهِنَّ وَ عَاقِبَهُ فِي غَيْرِ إِسْرَافٍ. ثُمَّ اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ، مِنَ الْمَسَاكِينِ وَ الْمُحْتَاجِينَ وَ أَهْلِ الْبُؤْسَى وَ الرِّمْنَى، (در این قسمت اشاره به بخش صدقات است) فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعًا وَ مُعْتَرًّا».

## ۱/۱. عدم بیان دسته‌بندی و ضوابط کلی کسب در دو روایت ذکر شده (درصدد بیان چگونگی برخورد حاکمیت با تجار و صنعت‌گران)

اما درباره روایت نبی اکرم (ص) و این نامه امیرالمومنین (ع) باید توجه داشت که ظاهراً موضوع کلام حضرات در اینجا، بیان اصول امور سیاسی و جامعه‌شناسی الهی است که در ذیل آن، به نسبت امور اقتصادی (یعنی تجار و صنعت‌گران) به امور سیاسی و حاکمیتی جامعه نیز به صورت اجمالی پرداخته شده است. بنابراین حضرات در اینجا، درصدد بیان ضوابط و قواعد کسب نبوده‌اند. همچنان‌که در این دو روایت، دسته‌بندی کلی معایش عباد یا کسب و معاملات نیز وجود ندارد و لذا حضرات اوصافی (الْمُقِيمِ مِنْهُمْ، وَ الْمُضْطَرِبِ بِمَالِهِ، وَ الْمُتَرْفِقِ بِبَدْنِهِ...) را به صورت مشترک و غیر تفکیک شده برای قشر تجار و صنعت‌گران بیان کرده‌اند. یعنی این اوصاف برای خاص هر بخش بیان نشده تا تفاوت‌ها مشخص گردد.

## ۲. نقد کلی احتمالات بیان شده در تفاوت بخش «تجارات» با بخش «صناعات» و بیان احتمال جدید

اما در روایت تحف العقول و روایت محدث نعمانی (بحار الانوار) دسته‌بندی کلی کسب و ضوابط کلی هر بخش از کسب آمده است که در جلسه گذشته سه احتمال در تفاوت بخش تجارت با بخش صناعت مطرح شد که به طور کلی نقدهای زیر بر بعضی از موارد آن سه احتمال مطرح می‌شود:

اولاً به نظر می‌رسد مقسم در این سه بخش، «اسباب کسب دارایی» (مَعَايشِ الْخَلْقِ وَ اَسْبَابِهَا) است نه داد و ستد؛ یعنی طرق و علت‌هایی که انسان شرعاً دارای «مال» (ارزش اقتصادی که شارع به رسمیت بشناسد) می‌شود. پس صرف عمل مهارت و حرفه نسبت به شی‌ای که باعث شود شرعاً ارزش مالی پیدا کند، در بخش صناعت قرار گرفته، اما خرید و فروش همین شی ساخته شده، در بخش تجارت قرار می‌گیرد. زیرا صرف ساختن مشروع اشیا، مالیت حاصل می‌شود. در این صورت است که عبارت «العمل به و فیه لنفسه و لغيره» (روایت تحف العقول) نیز معنا پیدا می‌کند؛ زیرا وقتی انسان چیزی برای استفاده خود نیز می‌سازد باید مالیت مشروع داشته باشد. اما اگر صناعات را یک نوع از داد و ستد (جدلاً از تجارت) معنا کنیم، عبارت «لنفسه» بی معنا می‌شود.

ثانیاً در ابتدای روایت تحف العقول، مقسم را «جميع المعایش كلها من وجوه المعاملات» ذکر کرده است، پس علی‌القاعده «معاملات» نباید به معنای «داد و ستد» باشد<sup>۱</sup> زیرا در این صورت فقط بخش تجارت را در بر می‌گیرد و بخش صناعات و اجارات خارج می‌گردد. پس باید در صناعات معامله‌ای غیر از خرید و فروش شی ساخته شده، باشد و آن معامله، عبارت از مهارتی است که یک شی را تبدیل به «دارایی و مالیت» می‌کند.

ثالثاً براساس این تفسیر از معنای «معاملات» و «صناعات»، سبب کسب مال در صناعت، نباید منحصر به «تعلیم و تعلم مهارت» باشد زیرا همان‌طور که بیان شد ساختن شی نیز مالیت می‌آورد.

با توجه به نقدهای فوق، این احتمال تقویت می‌شود که منظور از بخش «تجارات»: کسب مال از طریق هرگونه داد و ستد (فِي جَمِيعِ الْبُيُوعِ) اعیان باشد و منظور از بخش «صناعات»، مالیت پیدا کردن اشیا از طریق مهارت و کسب درآمد بوسیله تعلیم و تعلم مهارت باشد و منظور از بخش «اجارات»، کسب مال از طریق منافع انسانی یا عینی باشد.

۱. البته تفاوت جدی بین روایت تحف العقول (به صورت کامل) با روایت محدث نعمانی نیست زیرا اگر «من وجوه المعاملات» در روایت تحف العقول قید جمیع معایش نبود، بخش «صدقات» نیز (همانند روایت محدث نعمانی) در معایش داخل می‌شد. گرچه در ادامه روایت تحف العقول، بخش صدقات در قسمت «اخراج الاموال و انفاقها» آمده است. نسبت به بقیه بخش‌ها نیز در جلسه سوم ادله جمع دلالی آن بیان شد.